

پرستو فروهر: قوانین تحمیلی بر زنان با جنبش اخیر به عقب رانده شود

سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۹ مارس ۲۰۱۰



“ندا حقیقت”

دوشنبه شب مراسم هشتم مارس توسط هیات گرداننده این مراسم در مرکز تجمعات کارگاه هانوفر در آلمان برگزار شد.

هیات گرداننده مراسم هشتم مارس در هانوفر که از سال 1998 ایجاد شده است گروه‌های مختلفی مانند شبکه زنان افغانی، مرکز مشاوره و درمان “آماندا”، سازمان حقوق بشر، شورای جهان سوم در هانوفر، سندیکاها، همایش زنان ایرانی، موسسات کلیسایی، مرکز فرهنگی کارگاه، تشکل بین المللی زنان “لاروزا”، سازمان حقوق برابری هانوفر و ... را شامل می‌شود. این هیات هر ساله به مدت یکماه برنامه‌های مختلف از جمله اجرای کنسرت، کتابخوانی، پخش فیلم، نمایشگاه عکس و ... را در شهر هانوفر برنامه ریزی می‌کند.

هر ساله در هشتم مارس موضوع یکی از کشورهای دنیا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که موضوع امسال به مسائل زنان ایران تعلق گرفت.

“پرستو فروهر” فرزند شادروان داریوش فروهر و پروانه فروهر امسال به عنوان سخنران در این مراسم حضور داشت و درباره جنبش اخیر و وضعیت زنان در کشور سخن گفت.

قبل از سخنرانی فروهر نمایشگاه عکسی از آثار “جین هامیلتون- بیک” jeanne hamilton-bick برگزار شد. هر ساله در مراسم 8 مارس آثار نقاشی از یک کشور به معرض نمایش قرار داده می‌شود و امسال آثار هامیلتون- بیک از آمریکا نمایش داده شد.

طبق رسم هر ساله در پایان مراسم، برنامه هنری از هنرمندانی که نام آنها در عرصه هنر آشنا نیست اجرا شد تا این هنرمندان با فرصت بدست آمده بتوانند آثار خود را به نمایش گذارند.

پرستو فروهر پس از سخنرانی درباره وضعیت زنان ایران، مصاحبه کوتاهی با “ندای آزادی” انجام داده است که به دین شرح است:

چرا بیشتر مبارزات مدنی در ایران توسط زنان انجام می‌گیرد؟
اینکه در ایران حقوق زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، شخصی و سیاسی بطور دائم مورد تجاوز حکومتی است یا سیستم فکری عقیدتی حکومتی که برای آنان ارزشی نیم مردان قائل است، شاید بیشترین دلیلی باشد که زن ها را به واکنش واداشته است.

زنان جوانی که با حضور در عرصه های اجتماعی به تحصیل پرداخته اند و سعی می‌کنند روی پای خود بایستند و زندگی کنند و چه در عرصه خانوادگی و چه در عرصه فردی به نوعی استقلال شخصی دست پیدا کنند. به دلیل راهیابی به تحصیل و شغل دیگر تحمیل زیر پا گذاشته شدن حقوقشان دشوار است. ما در عرصه های متفاوت در جامعه ایران می‌بینیم که زنان شروع به واکنش کرده اند این واکنش از انجام اعمال ساده ای نظیر بیرون آوردن مو از جلوی حجاب اجباری بود تا واکنش هایی در زمینه اینکه چگونه می‌توان قوانینی که محدود کننده حقوق زن هستند با پدید آوردن جنبش های اجتماعی تغییر داد.

یکی از مشخصه های اصلی حرکت زنان در طی سالهای گذشته این بود که سعی کردند در ابتدا سنت ها و تفکرات حاکم بر جامعه نسبت به زن را تغییر دهند. گفت و گوهایی چهره به چهره با زنان قشرهای اجتماعی که مورد تبعیض قرار گرفته می‌گرفتند ولی شاید سنت اینکه بر روی حقوق خود پافشاری کنند کمتر وجود داشت، یکی از کارهای بسیار با ارزشی است که بسیاری از فعالان زنان در سالهای گذشته انجام داده اند.

جنبش های مختلفی که سعی کردند بر اساس آن امضا جمع کنند نظیر جنبش یک میلیون امضا برای تغییر قوانینی که در آن حقوق زن رعایت نمی‌شود یا مساله ایجاد گفت و گو بین فعالان زنان و بافت های حکومتی و اینکه تقاضا و خواسته های خود را بیان کنند و به گوش مسوولان برسانند، اینها همه واکنش هایی است نسبت به بی عدالتی دائمی که در زمینه های مختلف در تمامی سالهای گذشته وجود داشته و به مرور زنان به این خودآگاهی رسیده اند که باید خودشان بر حقوقشان پافشاری کنند.

در حال حاضر چه زنانی به مسند قدرت تکیه داده اند؟ می‌دانید که تعداد زنان در مجلس شورای اسلامی در گذشته و حال انگشت شمار بوده است و یا ورود زنان به کابینه دولت کمتر مشاهده شده است، از طرفی جامعه شناسان معتقدند در جوامع توسعه نیافته در صورتیکه زنان به عرصه های حکومتی راه داده نشوند آنان از طریق مردانشان سعی می‌کنند که به نوعی در تصمیمات مملکتی دخالت کنند که این حضور مثبت نیست. نظر شما در این خصوص چیست؟

این اعمال قدرت در واقع می تواند یک راه گریزی ناهموار باشد به مساله تامین حقوق فردی و اجتماعی خویش، اما آنچه ما در جامعه ایران می بینیم عکس این است. زنان به غیر از آنانی که در بافت قدرت شرکت دارند و در بسیاری از موارد موضع گیری هایشان نسبت به مسائل زنان بسیار ضد زن تر از برخی مردان است، اگر به حرکتهای برابری جویانه زنان در ایران نگاه کنیم می بینیم که اتفاقا اینها می خواهند حضور مستقل داشته باشند و دقیقا از طریق حضور مستقل سیاسی و اجتماعی خود و به راه انداختن جنبش های مستقل با خواسته های خاص برابری جویانه حضور خود را نشان دهند. به همین دلیل من آن گرایش را در میان قدرت که حالا چند زن را روی مسندهای دست چنم می نشاند، واکنشی می بینم نسبت به تمایل عمومی که در جامعه برای احقاق حقوق زنان وجود دارد و حالا حکومت با همان شیوه های عوام فریبانه ای که در بسیاری از موارد دیگر هم دارد به چند زن مقام می دهد که البته آنها هم از بافت فکری و سنتی می آیند و بسیار کم می شود بر روی مسائل زنان بر آنها حساب کرد.

چه اتفاقی می افتد وقتی طرز فکر دولت بسیار عقب تر از ملت است ؟ همین اتفاقی که ما امروز در جامعه ایران شاهد آن هستیم. مردم برای احقاق حقوق خود بصورتی کاملا مسالمت آمیز دست به حرکت می زنند و سعی می کنند که در مقابل قدرتی که می خواهد حق تعیین سرنوشت را از آنان بگیرد با شیوه های مدنی مبارزه کنند، منتهی قدرت سیاسی متاسفانه در ایران با خشونت گسترده نسبت به این خواستی که بسیار جلوتر از حکومت واکنش نشان داده، رفتار کرده است. در حال حاضر مساله این است که چگونه می شود در مقابل سرکوب خشونت وار واکنش نشان داد و آن ایده اصلی مسالمت آمیز بودن حرکتهای اعتراضی را حفظ کرد ولی در عین حال حرکت را به پیش برد و پله پله به خواسته های اصلی جنبش نزدیک شد. این یک معضلی است که من فکر می کنم بسیاری از فعالان سیاسی در ایران و در بیرون ایران بر سر آن بحث و گفت و گو می کنند و هنوز این را نمی بینم که راه حل های اساسی در این مورد برای آن پیدا شود، ولی این مشکل را همه می شناسند و بیشتر بحث ها در محافل ایرانی برای این است که مشخص شود چگونه می توان جنبش را پیش برد که در بر دارنده خواسته های اکثریت باشد و در عین حال هزینه سنگینی که جان انسانها را در بر داشته باشد، پرداخته نشود و راههایی پیدا کرد که این سد خشونتی که دستگاه حاکمه در مقابل جنبش ایجاد کرده را به نوعی دور زد یا حکومت را وادار به عقب نشینی کرد.

در حال حاضر فشار بر روی جنبش بسیار زیاد شده و اتفاقات دهه 60 را تداعی می کند، نظر شما در این خصوص چیست؟

امیدوارم به هیچ وجه این اتفاقات به دهه 60 نرسد و نشانه‌هایش هم اینطور نیست. درست است که خشونت اعمال شده ولی من خشونت دهه 60 را که خود شاهد آن بوده‌ام نمی‌بینم. آنروزها اسامی دهها نفر اعدامی روزانه از تلویزیون اعلام می‌شد و بعد نیز کشتارهای زندانیان در خفا انجام شد. من امیدوارم که خشونت چنان گستره‌ای پیدا نکند. الان خشونت هست و فشار بسیار زیاد است، بازداشتها افزایش پیدا کرده و فشار بر بازداشتی‌ها بالاست، کنترل بر انواع وسایل ارتباطی هر نوع سازماندهی را مشکل می‌کند اما خشونت خوشبختانه به آن حد نرسیده و امیدوارم که نرسد.

چه بر سر زن ایرانی آمد که 2500 سال پیش به او برابر مرد ارث می‌رسید ولی الان متأسفانه باید گفت که ارث به وی نصف نفر و حتی شتر می‌رسد؟

من مثل شما خوشبینانه به گذشته نگاه نمی‌کنم. در گذشته هم زن ایرانی در چارچوب سنت حاکم بر جامعه از حقوق چندانی برخوردار نبوده است. آنچه که امروز با آن در جامعه ایران روبرو هستیم چارچوبهای حکومتی است که از آنچه سطح توقعات و سطح فرهنگی امروز وجود دارد همانطور که در سوال قبلی خود گفتید، عقب مانده است اما به اعتقاد من دستاورد عظیم زنان ایران این بوده است که در سالهای گذشته کوشش فردی خود برای بهبود شرایط حضور در صحنه زندگی فردی و اجتماعی را انجام داده‌اند آنچنان که امروز ما دیگر نمی‌توانیم بگوییم که در جامعه ایرانی زنان به حق خود آگاه نیستند. آگاهی نسبت به حق خود در زنان بسیار رشد پیدا کرده و این دستاورد تلاش فردی و جمعی بسیاری از زنان بوده است. و اینکه چارچوبهای حکومتی محدودیتها را به زنان تحمیل می‌کند، من باز هم اینجا خوشبینانه به قضیه نگاه می‌کنم برای اینکه به آن بخش نیز توجه دارم؛ "جنبشی که زنان در ایران به پیش می‌برند در بسیاری از سطوح اجتماعی نسبت به گذشته افزایش یافته است". به همین دلیل امیدوارم قوانین تحمیلی با این جنبش به عقب رانده شود و زنان ایرانی از حقوق اولیه شهروندی برخوردار شوند.

در حاشیه مراسم هشتم مارس نمایشگاهی از آثار هنرمندان زن برگزار شد.



